

فراخوان و برنامه برای دفاع از زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهید!

در صفحه ۶

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۶۳ برابر با ۱۷ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲۰

جریان رأی اعتماد مجلس به دولت، نمودی دیگر از تشتت و بحران

تغییر یابند ۳ - ضرورت تقاضای رأی اعتماد در رابطه با مسایل مهم و مورد اختلاف در میان این سه دلیل، دلیل سوم همچنان که کل جریان گرفتن رأی اعتماد نشان می‌دهد، حکم محور را دارد. از نامه موسوی به رئیس مجلس برداشته می‌شود از آنجایی که بقیه در صفحه ۳

در تاریخ ۲۸ تیرماه موسوی نخست وزیر، طی نامه‌ای به رئیس مجلس، خواستار گرفتن رأی اعتماد از مجلس نسبت به دولت خویش، گشت. او در نامه خود، سه دلیل برای این تقاضا، عنوان کرده بود: ۱ - ضرورت پشت‌گرمی به حمایت مجلس ۲ - الزام قانونی به گرفتن رأی اعتماد در حالی که نصف وزیران کابینه

اشغال خزنده دریای سرخ، تکرار سناریوی آمریکایی

مخصوص جمع‌آوری مین مجهز است، قرار است به یک نیروی چند ملیتی متشکل از کشتی‌های بریتانیایی، فرانسوی، مصری، سعودی و یمن شمالی بپیوندد. پنج کشتی مین جمع‌کننده انگلیسی با ۲۰۰ سرباز و سه کشتی فرانسوی هم اکنون در دریای سرخ مستقر شده‌اند. بدین ترتیب پس از لبنان و خلیج فارس، بقیه در صفحه ۹

بدنبال برخورد چند کشتی تجاری با مین در حوالی کانال سوئز و تنگه باب‌المندب در دریای سرخ، و تقاضای کمک دولت مصر، یک واحد از نیروهای نظامی آمریکا ظاهرًا برای جمع‌آوری مین‌هایی که در این منطقه کار گذاشته شده‌اند، راهی دریای سرخ شد. این واحد که از ۲۰۰ نفر نظامی تشکیل شده و به هلی‌کوپترهای

با مبارزه متحد برای صلح، مقاومت ارتجاع را در هم شکنیم!

برخلاف میل و آرزوی رهبران حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه و گسترش جنگ، سکون نسبی در جبهه‌ها همچنان ادامه یافته است. اینک نزدیک به شش ماه از آخرین تهاجم گسترده و خونین نیروهای مسلح رژیم میگذرد و وجود اینکه تدارکات زیادی برای آغاز حمله مجدد صورت گرفته است، اما تردید مسئولین حاکمیت برای انجام تهاجم همچنان ادامه یافته است. سردمداران رژیم در حالیکه هنوز هم آرزوی خود را برای کسب فتوحات نظامی تکرار میکنند، دستیابی به آنها هر چه دورتر می‌یابند. آنها بی آنکه دست از دیوانه سربهای خود برداشته باشند، در شرایطی که از هر زمان دیگری ضعیفتر شده‌اند، ناگزیر گردیدند این بار جدیتر به عواقب سخت یک شکست دیگر بیندیشند.

مسئولین جمهوری اسلامی هست و نیست خود را در گرو پیروزی موهومی نهادند که در باطلاهای بصره جستجو میکردند، در تبیین و توجیه وضعیت تازه به آش‌تگوشی پرداختند. بقیه در صفحه ۲

نمونه‌ای از تحریف و دروغبافی، برای کسب اعتبار

سراغ دارند، آشکارا وقایع و روندهای تاریخی را در جهت منافع قشری و طبقاتی خود در گونه جلوه می‌دهند. اگر چه نمونه‌ها و موارد این تحریف‌ها و دروغبافی‌ها در زمینه حوادث همین دو سده اخیر تاریخ میهنمان از حد و شمار بقیه در صفحه ۴

سردمداران و قلمبه‌دانان جمهوری اسلامی در تحریف تاریخ و دروغوشی نیز گوی سبقت را از همتاهای خود در رژیم سابق ربوده‌اند. اینان با استفاده از تجربیات هزار و چهارصد ساله خود در این زمینه و با مدد گرفتن از وقاحتی که به وفور در خود

تعاونی‌های مردمی، زیر ضربات رژیم

در عرصه‌های مختلف اتفاق می‌افتند و به نحوی از انحا میتوان انعکاسشان را در روزنامه‌ها دید، شاید این گزارش در نظر اول چندان برجسته جلوه نکند، ولی در واقع خبر از لگدکوب ساختن یک تشکل مردمی دیگر می‌دهد. جنبش تعاونی بقیه در صفحه ۵

در روزنامه کیهان ۲۰۴ تیرماه ۶۳، گزارشی تحت عنوان "تعاونی‌های محلی اهواز هم برای تهیه کالا به بازار آزاد روی آورده‌اند"، به چاپ رسیده است که به تفصیل به وضع اسفناک تعاونی‌های محلی اهواز می‌پردازد. در برابر مجموعه فجایعی که در جامعه ما

ریگان: "پنج دقیقه دیگر

بمباران روسیه را

آغاز خواهیم کرد."

در صفحه ۱۰

پاسخ رفیق چرنکو به نامه شون مک‌براید، نویسنده و شخصیت اجتماعی نامدار ایرلندی

در صفحه ۱۰

المپیک دلار، ترور و شوونیسم پایان یافت

در صفحه ۱۱

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

بامبارزه متحد برای صلح، مقاومت ارتجاع را درهم شکنیم

بقیه از صفحه اول

در حالیکه پیش از این آنها بکرات اعلام داشته بودند که راه حلی غیر از عملیات نظامی وجود ندارد، این بار از زبان سخنگوی شورایی عالی دفاع اعلام میکنند که "راه حلهای دیپلماتیک و غیر نظامی نیز مورد نظرشان میباشد. در ادامه آن معاون وزارت خارجه حتی اعلام میدارد که "راه حلهای دیگر ۱۰۰۰ اولویت دارد". در شرایطی که "شکسته ای مکرر نظامی جمهوری اسلامی و غیر قابل دسترس بودن پیروزی نظامی و شکستهای سیاسی و گسترش روزافزون مخالفت مردم و نیروهای مسلح... بی تصمیمی و سرگردانی رهبران رژیم" (کار شماره ۶) رادامن زده است، آقای هاشمی رفسنجانی بنحوی حقارت بار صورت خود را با سیلی سرخ میکند و میکوشد علت تاخیر تهاجم مقرر را، توجه به مصالح تاکتیکی در تعیین تاریخ هجوم وانمود سازد. اما این دروغوی کم حافظه تنها چند روز بعد، در نماز جمله ۵ مرداد، اظهار میکند علت تاخیر وعدههای کسانی است که "پیامهای خود" تعویق عملیات را خواستنه بودند.

اما حقیقت اینست که "ماشین جنگی رژیم در باطلاقیهای جنوب عراق فرورفته و کشتی جنگی رژیم در آبهای خلیج به گل نشسته است." رهبران جنگ افروز جمهوری اسلامی "نه مطابق آرزوی خود توان پیشروی دادند و نه آن شهادت را دارند که به غلط بودن سیاست جنگ طلبانه اعتراف نمایند و از راه رفته بازگردند و نه جوابی که مردم را قانع کند و مانع خشم آنان گردد. در این موقعیت ۱۰۰۰ آنها برای خارج شدن از باطلاقی که به درون آن قدم گذاشته اند به طناب امپریالیسم بینترین امید را بستند" (نشریه کار شماره ۶). رژیم در جستجوی راه بیرون رفتن از بن بست خود ساخته به جلب عنایات امپریالیسم نظر دوخته است. این روند که از مدتها قبل آغاز شده بود، در ماههای اخیر شتاب بازهم بیشتری گرفته است. سردمداران رژیم که بناچار ریزیدیرفتند "توقع اینکه به ایمن زودی صدام خودش سقوط کند... واقعه ای نیست" برای جلب رضایت امپریالیستها و مرجعین حاضر به پذیرش هر گونه خفت و خواری هستند تا مگر "صدام" بدست "غیر خودش" سقوط کند. آنها در کمال وقاحت آشکارا به امپریالیستها و مرجعین منطقه اطمینان میدهند که شرایط مورد

نظر جمهوری اسلامی برای پایان جنگ و نیل آینده منطقه بلوئهای تنظیم شده است که بهرهای بیش از گذشته نصیب شان خواهد شد. رژیم بهر قیمت و از جمله بقیعت کشودن راه مداخلات امپریالیستی در امور داخلی کشورمان، در جستجوی چنان وضعیتی است تا بتواند بن بست و شکست را پیروزی جلوه داده و مردم را بفریبد.

برای دستیابی به این وضعیت است که همزمان با رکود ناگزیر جبههها، تحریک در عرصه دیپلماتیک شدت چشمگیری یافته است. مسافرت وزیر خارجه آلمان فدرال به تهران، باب تازه ای رادار مناسبات با دولت امپریالیستی گشوده است. گنشر در تهران از جمله در جستجوی بهره گیری کامل از نتایج جنگی بود که بقیعت خون صدها هزار تن از جوانان میهن، به مردم ما تحمیل کرده اند. طرفهای ایرانی مذاکره با گنشر که خود را در ضعیفترین موقعیت قرار داده بودند، طبعاً حرف پندانی برای گفتن نداشتند. این زبان بستهها سراپا گوش شده بودند تا از شرطو شروط سفیر کنفرانس لندن با خبر شوند. نتایج این مذاکرات نیز همانند موارد مشابه اعلام نشد. اما طرفین بر تفاهم فیما بین اذعان داشتند و آقای رفسنجانی چند روز پس از مسافرت گنشر یا شادمانی اعلام داشت که اینک ما از نظر "ارتباطات جهانی" در بهترین موقعیت هستیم. رهبران مرتجع حاکمیت جمهوری اسلامی در این موقعیت تازه که بقیعت خیانت به مردم، بدست آمده، انتظار دارند که دولتهای امپریالیستی با آنان در کسب یک پیروزی صوری در حد تغییر رئیس حکومت عراق یاری کنند، تا با شجب و بازی شکست را پیروزی وانمود سازند.

نقطه عطف برجسته دیگر در تحولات دیپلماتیک دعوت دولت عربستان سعودی از هاشمی رفسنجانی برای مسافرت به این کشور بود. این دعوت واکنش مثبت مقامات ایرانی، در پی مسافرت مذاکرات متعدد با دولت عضو شورای همکاری خلیج صورت گرفته است. مقامات ایرانی از این سفر نیز همان نتیجه را انتظار دادند. و برای جلب موقت دولت سعودی حاضر شدند. بهای مناسب را بپردازند.

در همین ایام، هیئت منتخب "کنفرانس اسلامی" برای میانجیگری میان ایران و عراق با دلگرمی بیشتری یکبار دیگر نشستهایش را از سر گرفته. گفته میشود بزودی نمایندگان این هیئت به سرپرستی رئیس جمهور گامیا، تهران خواهند

رفت.

در این ماه چندین هیئت ایرانی به سرپرستی وزیر خارجه یا دیگر مقامات عالی رتبه وزارت خارجه به کشورهای مختلف منطقه سفر کردند. مسافرت هیئتهای ایرانی به ترکیه، پاکستان و بنگلادش دارای اهمیت ویژه ای است. این سه کشور او یکسو عضو هیئت منتخب کنفرانس اسلامی میباشند و از سوی دیگر نقش مهمی را در بازسازی مناسبات جمهوری اسلامی و امپریالیسم بر عهده دارند.

واقعیت اینست که در هر گرد بهیچ دیپلماتیک نه صلح را نشانه گرفته و نه از نتایج آن صلح تحقق خواهد یافت. رهبران جمهوری اسلامی با اینکه از عواقب یک شکست نظامی دیگر هراسانند، از اهداف تجار و زگران، جنگ طلبانه و مداخله جویانه خود دست نکشیدند. مبارزه مردم ما و ابراز انزجار نیروهای صلح و ترقی جبهانی علیه جنگ، و بن بست نظامی جبههها حکومت را ناچار ساخته عملیات بعدی را به تعویق اندازد، بی آنکه احتمال آغاز مجدد آن هیچگاه منتفی شده باشد. رژیم هنوز به اراده مردم، مبنی بر قطع فوری جنگ و کشتار و تشنج، تسلیم نشده است. تنها میکوشد طرفهای خود را در "ارتباطات جهانی" به حمایت از مطامع مداخله گرانه خود بکشد، تا ادامه حملات نظامی ممکن و مقدر شود. بیگمان نتیجه تشبثات دیپلماتیک اخیر، نه صلح، کسبه دادن مهار جنگ بدست کسانی خواهد بود که خود جنگ را پی ریخته بودند.

شش ماه آرامش نسبی در جبههها، نشانه خیرخواهی و صلح دوستی رژیم که نشانه نیروندی اعتراض مردم ما به تداوم جنگ است. این وضعیت اگر چه بمثابة یک دستاورد مبارزه مردم پر بهاست، اما بغایت شکننده و ناپایدار است. تا زمانیکه صلح پایدار، متحقق نشود، هر لحظه احتمال آن میرود که رژیم با دست زدن به ماجراجوییهای تازه، دهها هزار تن از جوانان میهن ما را در باطلاقیهای میان مرز ایران و عراق قربانی نماید. "رهبران جمهوری اسلامی تا مجبور نشوند از تداوم جنگ و اقدام به حملات جدید دست بر نمی دارند و به آتش بس و صلح تن نمی دهند. ما از تمام احزاب و سازمانهای انقلابی ایران دعوت میکنیم که در هماهنگی و گسترش مبارزات صلح طلبانه بیش از پیش بکوشند... بزودی پنجمین سالروز و هفته جنگ فرامیرسد... مصالح مردم ایران حکم میکند که آنها هفته جنگ رژیم را به هفته مبارزه علیه جنگ تبدیل کنند. ما همه سازمانها و محافل صلح دوست ایران را دعوت میکنیم با اقدام وسیع و متحدانه در هفته جنگ، تلاشها و تبلیغات جنگ افروزانه رژیم را افشاء و رسوا سازند." (کار شماره ۶)

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

جریان رأی اعتماد مجلس به دولت، نمودی دیگر از تشتت و بحران

بقیه از صفحه اول

" اطمینان دولت از پشتیبانی مجلس " مورد اختلاف است و حاد بودن آن تا حدی است که ضرورت اخذ رأی اعتماد پیش آمده است ، مبادرت به چنین تقاضایی شده است . این اقدام نخست وزیر ، در حالی که رئیس قوه مقننه بعد از تشکیل مجلس دوم صراحتاً گفت گرفتن رأی اعتماد مجدد ضرورت ندارد ، غیرمنتظره می نمود و حتی برخی از مجلسیان را غافلگیر ساخت . یکی از آنان در این مورد چنین گفته است : " ریاست محترم مجلس در اوایل کار مجلس دوم ، عدم نیاز دولت را به رأی اعتماد مجلس ، گوشزد نمودند و عملاً هیچ نماینده ای به تدویم کار دولت ، اعتراض نداشت (بعد از خواهیم دید که ایشان خواب تشریف داشتند) ولی پس از چندین هفته کار عادی مجلس ، بطور غافلگیرانه ، مساله لزوم رأی اعتماد مطرح می گردد . (میرزایی عطا آبادی نمایندگی شده فلا ورجان در رنطق پیش از دستور مجلس - کیهان یکم مرداد) .

واقعیت این است که راست افراطی درون حاکمیت ، در حال حاضر شرایط را برای قبضه کردن قدرت مهیا می بیند و حاضر است به دلیل ضرورت هایی که چشم انداز آینده جامعه در برابر او می نهد ، به برخی تشنجات درونی نیز تن دهد و هر چه سریعتر همه اهرم های اصلی را در اختیار خود بگیرد . این جناح ، اکنون چنان خود را نیرومند حس می کند که از دریافتن تلویحی و بعضاً صریح با ولی فقیه نیز هراسی ندارد ، آشکارویی تعارف قانون اساسی را زیر سؤال می برد و پیش از بقیه گروه بندی های درون حاکمیت ، سنگ کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را به سینه می زند . راست افراطی ، پایگاه مستحکم خود را در درون حوزه دارد ، ارتجاعی ترین پیش ها را نمایندگی می کند ، از همین رو به طرف مقابل اجازه نمی دهد که برای مقابله با او در پس شرع انور ، سنگریزید . در جریان قضیه گرفتن رأی اعتماد ، آذری قوی با رزترین سخنگوی این جناح بود .

جناح مقابل که در درون مجلس ، رفسنجانی رئیس قوه مقننه محور آن را تشکیل می دهد ، خود را نمایندگی کامل خط رهبری جمهوری اسلامی می داند ، از سرمایه داری بالگوهای خود در پشتیبانی می کند ، به لحاظ تاریک اندیشی و عملکرد های ارتجاعی نقاط اشتراك بسیاری با حریف دارد ، و اگرچه راه را برای ، راست افراطی هموار کرده است . فقیه تا حد معینی حاضر است این جناح را در قدرت ، سهیم و شریک سازد .

جریان رأی اعتماد گرفتن موسوی را تنها

از زوایه دیگری این دو جناح باید مورد بررسی قرار داد . راست افراطی با بر آوردی که از نیروی خویش به عمل آورده است ، سهم بیشتری از قدرت را می خواهد . این جناح به دنبال تشکیل مجلس دوم و احساس قدرت بیشتر ، بر آن می شود که یا پست نخست وزیری را از آن خود گرداند و یا این که دست کم طرف مقابل را وادارد تا درهای کابینه را بگشاید و از " لیاقت و کفایت " آنان نیز بهره مند شود . (رجوع شود به سخنان شیخ محمد یزدی در مجلس - اطلاعات ۴ تیرماه و نیز مقاله " یک پرسش از سرعزیز و یک پاسخ صریح " در " اکثريت " شماره ۱۵)

به دنبال تشکیل مجلس دوم ، این جناح فشار خود را بر روی طرف مقابل و دولت موسوی افزایش داد و آنان را وادار ساخت برای آنکس نشان دهند هنوز نقش فائده را دارند ، به تاکتیک گرفتن رأی اعتماد متوسل شوند . نقطه قوت آنها در این درگیری و در کار است این تاکتیک ، آن بود که خمینی بهره در پیام افتتاحیه مجلس ، صراحتاً از دولت پشتیبانی کرده بود . همین پشتیبانی ، به آنان این امید واری را می داد که حریف را موعوب ساخته و عناصر میانی و نیز کسانی را که هنوز رو در روی با رهبری را به مصلحت خود و گروه بندی شان نمی بینند ، به سمت خود بکشانند . هدف جانبی آنان از نهادن کابینه در کارون درگیریها ، حل و فصل برخی مشکلات اجرایی و قانونی نیز بود . آنان با زیرکی خاصی از این تاکتیک بهره مند شدند ، طرف مقابل را غافلگیر ساختند و نخواستند فرصت سازماندهی های لازم را داشته باشد .

بلافاصله بعد از تسلیم نامه موسوی به مجلس ، آیین نامه گرفتن رأی اعتماد از جانب این جناح تهیه شد و با قید و فوریت به مجلس ارایه گردید . ابتدا بر سر این قید بین دو جناح بحث و مناظره در گرفت . راست افراطی احتیاج به فرصت داشت و حال که در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفته بود ، می خواست همه مقدمات حمله را فراهم سازد . در اولین مصافح این جناح شکست خورد و قید و فوریت پا برجاما نند . طرحی که در ابتدا ارایه شد به گونه ای تنظیم شده بود که اولاً اجازه درگیری بر روی شخص نخست وزیر را نمی داد و ثانیاً با منظور نکردن وقت صحبت برای موافقین و مخالفین نخست وزیر و کابینه نمی گذاشت برخی از اسرار پشت پرده هویدا شده و حریفان علناً دولت را به زیر سؤال بکشند . این یک خیز بلند بود که خود جناح ارایه دهنده طرح ، سر بچایی برد قادر به برداشتن آن نیست . سریعاً طرح دیگری تدارک دیده شد که بیشتر می توانست مرضی الطرفین باشد .

در جریان بحث بر روی این طرح ، اختلافات آشکارتر گشت . طرح بالاخره با اصلاحاتی به تصویب رسید ولی آرایه دهندگان با زمانه کمی را در پیش پاداشتند که به حریف فرصت کوتاهی برای سازماندهی تعرضی می داد . این مانع که یک ماده واحد سه فوریتی آنرا از میان برداشت آن بود که هر لایحه ای تنها بعد از گذشت ۱۵ روز از امضای رئیس جمهور ، الزام قانونی دارد . درگیری حاد بود ، ۱۵ روز را نیز نمی شد از دست داد . بر سر ماده واحد مذکور نیز کجبه آیین نامه گرفتن رأی اعتماد ، بلافاصله جامعه قانون را می پوشاند ، درگیری شدیدی پیش آمد که باز به نفع آرایه کنندگان آن تمام شد .

بالاخره بعد از این همه درگیریها ، موسوی در مجلس حضور یافت و موفق شد با جلب ۸۰ درصد آرای نمایندگان ، خود را در مقام نخست و زبری تثبیت کند . نسبت ۸۰ به ۲۰ نشان دهنده تعادل قوا در مجلس نیست . همچنانکه گفتیم پشتیبانی صریح ولی فقیه از دولت ، باعث شد که برخی از عناصر جناح مغلوب در این درگیری ، و نیز عناصر میانی مصلحت نیبینند . خلاف این توصیه که جناح غالب به آن ، به چشم یک فتوای نگرست (و حقیقتاً چنین بود) رفتار نمایند .

مجموعه بحث هایی که از ابتدای جریان مطرح شدن قضیه رأی اعتماد در گرفت و به سه سرفقاله های جراید اربعه نیز کشیده شد و هنوز هم به صورت حادی ادامه دارد ، افشاگرسیاری از مسایل بود . این درگیریها بیش از همه دلاست بريك بحران حاد داشت که سرتاپای رژیم را فر گرفته است . ترس از رو شدن جریانات پشت پرده در برابر چشم مردم ، هراس از انعکاس اختلافات در میان ، زمامت قوم را در تمام طول این درگیری ، شیدا به و حشت افکنده بود . آنان به حدی آلوده دامند که تا کسانی مثل آذری قوی و کاشانی تهدید می کردند که " خواهند گفت " و یا بر روی مسایلی همچون " جریان دیوان لاهه " انگشت می گذاشتند ، هراسان شده و از کوره در می رفتند .

سرفقاله های اطلاعات ۱۴ و ۱۵ خرداد ، عمق اختلافات و درگیریها را نشان می دهد . به گفته سرفقاله نویس این روزنامه که به دفاع از دولت برخاسته است طرف مخالف آنقدر رگسناخ شده که علناً به قانون اساسی پشت پامی زند ، با ولایت فقیه مخالفت می کند و در رابطه با پشتیبانی رهبری جمهوری اسلامی از دولت می گوید که او از این حرفها زیاد زد و تاکنون از بسیاری رگسان همچون بازرگان ، بنی صدر و قطب زاده ، پشتیبانی کرده است .

رفسنجانی که از سردمداران خیانت به انقلاب است در هنگام دفاع از موسوی ، از جناح دیگر گله کرد که چرا آشکارا انقلاب را زیر سؤال می برند . او به حریفان خود گفت که خیال تلان از بابت سرمایه داری راحت باشد ، ما خود پاسدار

بقیه در صفحه ۵

نمونه‌ای از تحریف و دروغبافی، برای کسب اعتبار

بقیه از صفحه اول
بیرون است اما تمامی آنها را می توان در دو محور مکمل هم به رشته در آورد :

محور اول کسب اعتبار، آبرو و حقانیت با سوء استفاده از ارزشهای پذیرفته شده در بین توده های مردم، برای خود، تفکرات، جریانات و افرادی نظیر خود است و محور دوم که روی دیگر سکه اولی است به زعم آنها نفی و بی اعتبار کردن همه نیروها و عناصر مترقی و انقلابی و طبعا پیش از همه و بیش از همه کمونیستها و بهتیمان و دروغبافی نسبت به آنهاست .

نفی همه مجاهدتها و حماسهها و دستاوردهای هر چند پایمال شده انقلاب مشروطه و علم کردن شیخ فضل الله نوری یار و همد همشروه خواہ استبداد صغیر و کبیر، وارونه جلوه دادن وقایع جنبش جنگل، تحریف وقایع دوران سیاه دیکتاتوری رضاخانسی، دروغبافی نسبت به جنبش دمکراتیک آذربایجان و کردستان و سپس ملی شدن صنعت نفت و وقایع ۳۰ تیر و ۲۸ مرداد و نقش کاشانی و دکتر مصدق و تشخوار اراجیف امپریالیستی در مورد حزب توده ایران و ... همه و همه زنجیرهای است از تحریف و دروغبافی، اما این زنجیره فقط به وقایع نسبتاً دور دوران اخیر محدود نمی شود بلکه به مدد وقاحت، وقایع سالهای اخیر را نیز شامل می شود .

نشریه پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران در مقاله ای تحت عنوان " افشای جنایات شاه " به اصطلاح به نقل گوشه ای از " تاریخچه جنبش دانشجویی " پرداخته است . مقاله پس از ذکر مقدمه ای در زمینه باصطلاح نزدیک شدن حوزہ و دانشگاه پس از خرداد ۴۲ می نویسد :

" حکام ربهای حوزه و دانشگاه در رابطه با مبارزه با حکومت عامل غرب در ایران ، تا آنجا گسترش یافت که هرگونه اعتصاب و یا تظاهرات که در یکی از دو مکان فوق اتفاق می افتاد به شدت متورم حمایت دیگری قرار می گرفت . از جمله این موارد ، اعتراضی بود که دانشجویان دانشگاه تهران نسبت به گرانی بلیط اتوبوسهای شرکت واحد ابراز داشتند ."

پیام انقلاب ضمن ارائه توضیحاتی در زمینه " طرح کمربندی " کردن مسیر اتوبوسها که معنای آن گران تر کردن بلیط بود، می نویسد :

" طبعا چنین طرحی فشار اقتصادی را بیش از پیش متوجه طبقه کم درآمد که عمده مسافری اینگونه اتوبوسها را تشکیل میداد ، مینمود . لذا دانشجویان بحمایت از این قشر ، از اوایل اردیبهشت سال ۱۳۵۰ به اعتصابات و تظاهرات دست زدند . در مدت کوتاهی دانشگاه های

دیگر و حتی دبیرستانهای تهران ، بازار و برخی ادارات ، به اعتصاب کنندگان پیوسته و از آنها حمایت کردند . مردم با پلیس درگیر شدند و اتوبوسهای شرکت واحد را سنگباران نمودند . با آنکه طرح مزبور مستقیماً بدستور شاه لغو شد ، ولی اعتصاب ادامه یافت و بقدری شدت گرفت که پلیس ناچار شد بداخل دانشگاهها یورش برده و چند صد دانشجوی دختر و پسر را دستگیر نماید . چنین حملهای از سال ۱۳۴۰ (در این سال نیز که مقارن با حکومت دکتتر علی امینی بود ، پلیس بدانشگاه هجوم برده بود) بی سابقه بود . یورش بیرحمانه پلیس به دانشگاه تهران ، نه تنها به اعتصاب پایان نداد ، بلکه از فردای آنروز ، دانشجویان دانشگاههای صنعتی ، پلی تکنیک و علم و صنعت نیز در اینجا شاهد حداقل سه دروغ بزرگ و تحریف آشکار از طرف پیام انقلاب ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستیم :

اولا اعتصابات و اعتراضات مربوط به اتوبوسرانی نه در اردیبهشت سال ۱۳۵۰ که در اسفند ماه ۱۳۴۸ ، صورت پذیرفت (دلیل این تغییر تاریخ پوشاندن علت اعتصابات عظیم اردیبهشت ۱۳۵۰ است که شرح آنرا خواهیم آورد)

اعتصابات و تظاهرات مربوط به گرانی بلیط اتوبوس یکی از درخشان ترین فصول تاریخ جنبش دانشجویی و یکی از مقاطعی است که دانشجویان مبارز و انقلابی میهنمان توانستند جنبش دانشجویی را با مبارزات و خواسته های مردم پیوند زنند . این جنبش اعتراضی به دنبال چندین روز کار آگاهانه وسیع در میان مردم و بهره محصلین دبیرستانها و دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی مختلف ، پخش اعلامیه ها و اطلاعیه های توضیحی گوناگون و سازماندهی حرکات آنان از طرف پیشروان جنبش دانشجویی به وقوع پیوست و به سرعت آنچنان ایحادی یافت که تمام شهر تهران صحنه پیکار دانشجویان ، دانش آموزان و بخشهای دیگری از مردم با پلیس و ارگانهای سرکوب رژیم گشت . حرکت با پیروزی مردم و لغو طرح مزبور مستقیماً توسط خود شاه به پایان رسید .

اما برخلاف ادعای ارگان سپاه پاسداران ، در این حرکت روحانیت و بازار مطلقاً کوچکترین نقشی نداشتند و حتی بطور لفظی نیز از آن حمایت ننمودند . سازماندهی و شروع این حرکت تماماً با دانشجویانی بود که بعد ها ، بعد از انقلاب بهمین و بعد از خیانت حکومت حامی بازار به اهداف انقلاب ، یا اعدام شدند یا به بند کشیده شدند و یا مورد پیگرد خانه به خانه قرار گرفتند .

اما تحریف اصلی و دروغبویی بزرگ نشریه " پیام انقلاب " آنجایی صورت میگیرد که اعتصابات دانشجویی اردیبهشت سال ۱۳۵۰ ، اعتصابات که آنچنان گسترده بود که پلیس ناچار شد به داخل دانشگاه یورش برد و " چنین حملهای از سال ۱۳۴۰ بی سابقه بود " را همان اعتصاب اتوبوسرانی که در اسفند ۱۳۴۸ انجام یافته بود قلمداد می کند .

اعتصابات و تظاهرات دانشجویی اردیبهشت ۱۳۵۰ اساساً در حمایت از چریکهای فدایی خلق، تجلیل از قهرمانهای آنان و حماسه سیاه هکل، و محکوم کردن اعدام جنایتکاران گروهی از فدائیان در اسفند ماه سال ۴۹ ، صورت پذیرفت . این وقایع و تظاهرات از ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۵۰ در دانشگاه تهران آغاز شد و همانگونه که در نشریه پیام انقلاب نیز ذکر شده است سرعت دانشگاههای صنعتی ، پلی تکنیک ، هنر سرای عالی (علم و صنعت کنونی) و ... را در بر گرفت . در همه این دانشگاهها دانشجویان شعار می دادند : " درود خلق ایران بر شهیدای جنگل ! و در حالی که دست می زدند و پای می کوبیدند فریاد می زدند : " فرسیو ! مرگت مبارک " و شادی خود را از اعدام فرسیو رئیس دادستانی ارتش که حکم اعدام فدائیان را صادر کرده بود ابراز می داشتند .

دانشجویان در کنار تبریک مرگ فرسیو با شعار " کارگر جهان جیت ! شهادت تسلیم " اعتراض خود را به کشتار کارگران جهان چیت کریم که در کاروانسرا سنگی توسط زاندارمهای رژیم شاه به گلوله بسته شده بودند ابراز می داشتند . دانشجویان مبارز و انقلابی ، اعتراض خود را به جشنهای گدایی شاهنشاهی با شعار " از جشن شاهنشاهی، سیستان به قحطی افتاد ! " اعلام می داشتند و با شهادت تمام فریاد می زدند : " عاقبت جشن سلاطین را به آتش می کشیم ! " در تمام این اعتراضات پلیس تربیت شده شاه ، گارد شهرانی، هجوم خود به دانشگاهها را آغاز کرد . همه دانشگاهها صحنه زد و خورد با پلیس گشت . بسیاری از دانشجویان زخمی و گروه کثیری دستگیر شدند . قحطی از دانشگاه صنعتی قریب ۹۰۰ نفر در یک روز دستگیر گردیدند . تعدادی از دانشجویان دستگیر شده تا یکسال و نیم بدوین محاکمه در زندان ماندند .

غرض از تشریح این حرکت دانشجویان با ذکر جزئیات آن در مقاله ای که هدفش نه در ریختن تاریخچه جنبش دانشجویی که افشای یک تحریف و دروغ است بیان این حقیقت است که با هیچ ترفندی و حیلهای نمی توان حقیقت را برای مدت طولانی پنهان داشت و نه بطور مثال نمی توان برای " روحانیت و بازار " کسب وجهه و اعتبار کاذب کرد و به هر حال دیر یا زود تاریخ واقعی مبارزات مردم میهنمان با تمام جزئیات توسط سازندگان و پیشاهنگان آن نوشته خواهند شد .

تعاونی های مردمی، زیر ضربات رژیم

بقیه از صفحه اول

که پس از انقلاب و بویژه پس از آغاز جنگ، رشد قابل ملاحظه ای یافت، اکنون از جانب حکومت تجار و کلان سرمایه داران متحمل ضربه های خرد کننده های گشته است. هر روز بسیاری از واحدها و شرکت های تعاونی ورشکست و منحل می گردند و این روند از واحدهای کوچک که پشتوانه مالی اندکی دارند - همچون تعاونی های محلی اهواز - آغاز گردیده است.

جدول زیر موقعیت شرکت های تعاونی را در پایان خرداد ماه سال جاری نشان می دهد:

متأسفانه مسئولین استان هیچگونه همکاری با ما نکردند، بلکه سدی هم در راه ما شده اند. با اینکه ما توانستیم تا امروز این تعاونی را سر پا نگهداریم. (همانجا)

حتی تعاونی هایی که از نظر مالی بنیه نسبتاً نیرومندی دارند نیز از تعرض حکومت مضمون نمائند. روزنامه کیهان ۲۶ تیر ماه ۶۳ گزارش می دهد: "اتحادیه شرکت های تعاونی مصرف کشور با اداره پیش از ۷۰۰ تعاونی کارمندی وزیر پوشش داشتن ۲۰ درصد از جمعیت کشور سهمی معادل ۵ درصد از تولیدات کالاهای اساسی

نوع تعاونی	تعداد (واحد)	تعداد اعضا (نفر)	جمع سرمایه (ریال)	تعداد اعضا هر واحد (مطوّر متوسط (نفر))	سرمایه هر واحد (مطوّر متوسط (ریال))
شهری غیر کارگری	۷۹۷۱	۳۱۹۹۶۵	۵۹۵۰۹۸۹۷۰۰۰	۴۰	۷۴۶۵۸۰۰
کارگری	۴۰۶۰	۶۵۸۸۶۹	۱۸۸۳۴۵۲۰۰۰	۲۶۲	۶۲۳۹۰۴
روستایی	۳۰۸۹	۳۸۴۸۹۴۶	۲۳۰۲۸۲۶۴۰۰۰	۱۲۴۶	۷۴۵۴۹۲۵
صیادان	۵۰	۷۰۰۰	۲۲۲۰۰۰۰	۱۴۰	۴۴۴۰۰

(آمار فوق از سوی سازمان مرکزی تعاونی کشور اعلام گردیده است - کیهان ۱۳۶۳/۴/۲۳)

با ملاحظه در جدول فوق دو نکته بسیار مهم آشکار می گردد:

۱- تعداد بسیار زیاد تعاونی ها نشان دهند و وسعت این جنبش و شرکت وسیع بوده های زحمتکش در آن است. جمع اعضای تعاونی ها به رقم ۴,۸۳۴,۷۸۰ نفر می رسد که با حساب افراد خانواده آنها رقم بسیار بالایی را شامل میشود. روزنامه کیهان دلایل وضعیت اسفناک تعاونی های محلی اهواز را چنین شرح میدهد: "عدم تخصیص کالاها و اجناس مورد نیاز تعاونی های مصرف محلی از سوی دستگاههای اجرایی ذریع، دادن وعده و وعید های آنچنانسی مبنی بر حمایت از آنها در محافل، مجالس و نشستها و در عمل عکس آن رفتار کردن، به نادان به تعاونی ها و حتی تداخل افکار موافق و مخالفت از یک سو و بعضی از اولیای امور از سوی دیگر، عدم رشد و توسعه کمی تعاونی ها و محدود بودن تعداد آنها، کمبود سرمایه، سودهای ناچیز و هزینه های سنگین و سوق گیری آنها به طرفت تجار عمده فروش و بازارهای سیاه کاذب جهت تهیه کالاها و اجناس مورد نیاز همگی از جمله عواملی هستند که در ایجاد وضع نابسامان تعاونی های مصرف محلی دخیل و سهمیم هستند." این تعاونی ها توسط مردم و سرمایه خود آنها و برای مبارزه با غارتگری تجار بزرگ بازار و واسطه هایشان تشکیل گردید. آنها در حکومت جمهوری اسلامی نه تنها به حمایت از آنها نپرداخت، بلکه در مقابل با پشتیبانی از اصطلاح تعاونی های تجار و سرمایه داران همچون تعاونی وارد کنندگان آهن و دادن امکانات وسیع به آنها، زمینه مساعد را جهت از میدان بدر بردن تعاونی های مردمی فراهم ساخت.

مدیر عامل تعاونی "ابوذر" در اهواز می گوید: "از سال ۶۰ که این تعاونی شکل گرفته

و ضروری کشور دریافت می کند. بنا به گفته یکی از مسئولین این اتحادیه، با این شرایط "یک کارمند برای دریافت یک یخچال اگر منتظر بماند، باید ۴۰ سال در نوبت بماند" (همانجا)

جدول زیر نشان دهنده سیاست ضد مردمی دولت در قبال تعاونی ها است:

جریان رأی اعتماد مجلس به دولت، نمودی دیگر از تشتت و بحران

بقیه از صفحه ۳

آنیم ولی در عین حال حاضر نیستیم از قدرت فائقه دست بکشیم.

بالا گرفتن اختلافات، رهبری جمهوری اسلامی را واداشت که خود دشمنی در این معرکه دخالت کرده و برای هزارمین بار، جناحهای رقیب را به آشتی و اتحاد فراخواند. او در تاریخ ۱۹ مرداد در حضور جمعی از سران حکومتی مجدداً خطبه وحدت را تکرار کرد و خواستار آن شد که دست کم، اختلافات از دید مردم پنهان نگه داشته شود. در این سخنرانی بر نقطه اشتراک جناحهای رقیب تأکید شد. این نقطه اشتراک شرکت در حکومتی است که آیندگان در برابر خود ندارد و "اگر بود، همگی خواهند رفت." این سخن باید برای همه دسته بندیهای درون رژیم، هشدار دهنده باشد که "امروز اگر خللی وارد بشود در این جمهوری اسلامی، نمی دانید که با ما چه خواهند کرد! می دانید و انشالله باید هم بدانید. باید احساس خطر بکنید برای این جمهوری اسلامی!" (آزادگان - ۲۰ مرداد)

نقطه اشتراکی که باید بر روی آن تأکید شود، به درستی تشخیص داده شده است. حکومتیان، علیرغم همه اختلافاتشان تا زمانیکه در حکومتند، ناچار به تحمل یکدیگر هستند.

نام کالا	۱۳۶۲	سال ۱۳۶۳	درصد سهمیه از کل تولیدات	درصد سهمیه از کل تولیدات
انواع یخچال	۱۰ درصد	۵ درصد	۵	۵
انواع تلویزیون	۱۰	۵	۵	۵
فرش ماشینی	۱۰	۵	۵	۵
کولر آبی	۱۰	۵	۵	۵
علاوه الی...	۱۰	۵	۵	۵

یکی از دست اندرکاران و احد توزیع لوازم خانگی و زارت بازرگانی علیه کاهش سهمیه اتحادیه تعاونی ها را چنین توجیه می کند: "کاهش سهمیه تعاونی های کارمندی به میزان ۵۰٪ به منظور یک کانال کردن توزیع و حلال کانال های متعدد (۱) توزیع انجام شده است. بنا بر تئوری پاشو رابا عالی توزیع، ستاد های توزیع جهیزیه در سراسر کشور از اول سال ۶۳ تشکیل شده است و ستاد های مزبور کالاهای مورد نیاز افرادی را که ازاد و اج می کنند، تأمین خواهند کرد." (کیهان، ۲۶/۴/۶۳)

به زعم وزارت بازرگانی نیمی از آمیلیون نفر اعضای تعاونی های کارمندی هر سال ازاد و اج می کنند و باید سهمیه خود را از ستاد های توزیع جهیزیه دریافت کنند. این عوام فریبی و قیچانه ای پیش نیست. از سال ۱۳۶۱ در کل کشور جمعاً حدود ۳۵۴ هزار ازاد و اج ثبت شده است. (همانجا) در واقع این سهمیه ها به بازار آزاد راه می یابند و از جیب کارمندی که باید ۴۰ سال صبر کند، سود کلانی را به جیب تجار بزرگ مسلمان و حلال سرمایه منتقل می کنند.

حیات و ممات آنها به یکدیگر وابسته است. این تأکید مجد در بر روی ضرورت وحدت: نتوانست آش را خاموش کند و رای گیری برای وزیرا بازار را مشتعل ساخت.

از قبل مشخص بود که موسوی در مقام خود تثبیت شده و زور آرمایی اصلی، بر سرترکیب کابینه انجام خواهد شد. فتوای رهبری بر سر این نبرد، سنگینی سابق را نداشت و از همین رو درگیری جناحها را حتر تجلی یافت. در انتخابات وزیرا عوامل دیگری نیز همچون الزامات اجرایی و فقدان عناصری که هم بتوانند برمسند وزارت بنشینند و هم دست کم یک جناح انسان راپشتیبانی کند و یک جناح تحمل، دخیل بود. از ۲۶ وزیر پیشنهادی موسوی ۵ نفر نتوانستند رای بیاورند. بدین سان تا تکمیل شدن نهایی کابینه، بازمین زمین، برای روشن شدن هر چه بیشتر بحران و اختلاف در درون حاکمیت و زور آرمایی جناحها، سر جای خود باقی است.

هریک از جناحها و هر یک از ارگانها که بتوانند اعتماد مجلس را به سمت خود جلب کنند، در سرنوشت قطعی روند روشن بی اعتمادی خلق به ارتجاع حاکم، تأثیری نخواهد گذاشت. درگیری بر سر قدرت با افشای رازهای پشت پرده به این بی اعتمادی، قاطعیت بیشتری خواهد بخشید.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

فراخوان و برنامه برای دفاع از زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهید!

هم میهنان آگاه و مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی تا زیا نه‌های خود را هر چه محکمتر بر پیکر فرزندان مبارز شما فرود می‌آورد. رژیم وحشیانه تلاش دارد صدای اعتراض شما مردم زحمتکش را در رنطقه خفه کند و سازمان‌های مترقی و انقلابی را که برای بهرزی و سعادت شما مبارزه می‌کنند نابود سازد. امروز تارک اندیشان خرافه‌پرست و مترجع، میهن‌بلاکشیده ما را به عرصه تاخت و تاز خود تبدیل کرده‌اند. آنها دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما را در زندانها به صلابه کشیده‌اند. آنها مرتباً زندانهای جدید میسازند. در شکنجهگاهها تن‌های زجر دیده انقلابیون را به زیر شلاق می‌کشند و سینه‌های پرشورش را آماج کلوله‌های سربین می‌سازند.

جمهوری اسلامی شقاوت در زندانها را به اوج رسانیده و مبارزین در زندان در سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند. زندانیان از هیچ تأمینی برخوردار نیستند و تحت حمایت هیچ قانونی قرار ندارند. گردانندگان رژیم حتی مفاد قانون اساسی را هم گستاخانه زیر پا می‌گذارند. جان دهها هزار انسان شریف در معرض خطر جدی قرار دارد. باید جان زندانیان سیاسی را از جنگال دژخیمان جمهوری اسلامی نجات داد. باید برای قطع شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی مبارزه را گسترش دهیم.

هم میهنان مبارز!

شما در روزهای تاریخی قیام، با خشم و کین بر کاخهای ستم‌پوش بردید و بمبارانهای گریزناپذیر حصارهای بلند زندان را فرو کوبیدید:

با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" شما درهای سیاه‌چالهای اوین و شهریانسی را گشودید و زندانیان سیاسی را تا آخرین نفر آزاد کردید. اما رژیم جمهوری اسلامی از نو این سیاه‌چالها را در دست‌گرفت و هزار بار در دژ منبسانتر آنها را دوباره به قتلگاه و شکنجه‌گاه میهن‌پرستان و انقلابیون ایران تبدیل کرد. امروز می‌باید مثل روزهای انقلاب از نو فریاد کشیم:

"زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" "باید بار دیگر علیه جنایات وحشیانه رژیم در زندانها با خیزیم و تبهکارهای هول‌انگیز دژخیمان جمهوری اسلامی را به گوش جهانیان برسانیم. باید زندانیان سیاسی را از جنگال دژخیمان نجات داد. باید مبارزه خود را تا آزادی بسی قید و شرط آخرین زندانی سیاسی ایران پیگیرانه ادامه دهیم. باید برای رسیدن به روزی مبارزه

کنیم که دیگر هیچکس را به خاطر عقایدش و به خاطر دفاع از مردم زحمتکش به زندان نیکنند. تا زمانی که به این هدف مقدس دست نیافته‌ایم باید با تمام نیرو از زندانیان سیاسی که در قتلگاهها و شکنجه‌گاههای رژیم اسیرند دفاع کنیم. جنایات رژیم را فاش و برافرا سازیم و برای لگام زدن به این جنایات، وحشی‌گریها، بی‌قانونیها و فجایعی که در زندانها می‌گذرد با خیزیم و صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانیم. یقین داشته باشیم که مبارزه متحد ما قادر است چنان مثنی به دهان مترجعین حاکم بکوبد که به دهان رژیم شاه کوبید.

هم میهنان مبارز!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) برنامه خود را برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده و در عین حال از هر پیشنهاد و فراخوان مؤثر دیگری هم صمیمانه پشتیبانی می‌کند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی تمام حقوق قضایی و حقوق زیستی زندانیان سیاسی را گستاخانه پایمال کرده و به فجیعترین جنایات علیه زندانیان دست می‌زند، مبارزه را به تأمین حقوق و مطالبات زندانیان سیاسی ایران اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند. ماهه نیروهای آگاه و مبارز را فرا می‌خوانیم که دست در دست یکدیگر برای تحقق اهداف شریف و انقلابی زیر کسه اهداف مشترک همه ما هستند، مبارزه متحد خود را علیه ارتجاع حاکم با زهم بیشتر گسترش دهیم:

حقوق و خواسته‌های سیاسی و قضایی

★ اعدام زندانیان سیاسی باید ملغی گردد

قلب پر تپش هزاران میهن‌پرست و انقلابی آماج کین سرکوبگران گشته است. دژخیمان بیرحمانه، انقلابیون، نوجوانان، مادران، زنان سالخورده و باردار را به جوخه اعدام میسپارند و به اتکای فتوی رهبران جمهوری اسلامی خسون انقلابیون را قبل از اعدام می‌کشند و دوشیزگان و زنان تجاوز می‌کنند. می‌بایست این سفکینها و ددمشیهها هر چه زودتر پایمان یابد و اعدام زندانیان سیاسی لغو شود. اساسی و اتهام اعدام شدگان به اطلاع مردم برسد و سرنوشته مقفود شدگان معلوم گردد.

★ هرگونه شکنجه و آزار جسمی و روانی زندانیان باید قطع گردد

دژخیمان رژیم برای کسب اطلاعات و بسه زانو افتادن انقلابیون، به شکنجه‌های قسرون وسطایی متوسل می‌شوند. شکنجه در زندانها رژیم ابعاد بیسابقه و وحشتناکی دارد. تا کنون صد ها تن از مبارزین راه استقلال و آزادی کشور زیر شکنجه به شهادت رسیدند. شکنجه برای گرفتن اعتراف، شکنجه برای مجبور کردن زندانی

به شرکت در مصاحبه، شکنجه برای مرعوب کردن زندانی، خربه جنایتکارانه و عادی جمهوری اسلامی است. باید به شکنجه تحت هر عنوان و به هر شکل که باشد فوراً پایان داده شود. شکنجه گران و آمرین به شکنجه محاکمه و مجازات شوند.

★ پیگرد و دستگیری مبارزین باید قطع شود.
ارگانهای تجسس و سرکوب میهن پرستان باید منحل گردد.

هیچ میهن‌پرستی در کشور ما از حمایت قانون برخوردار نیست. مأمورین رژیم بسند و هیچ مجوز قانونی فرزندان مبارز خلق را بازداشت می‌کنند. رژیم جمهوری اسلامی برای خاموش کردن صدای اعتراض زحمتکش و سرکوبنابودی نیروهای آزاد یخواه و انقلابی، مدتها ارگانهای سرکوب خود را گسترش داده و گستاخانی متعدد را برای شکار افراد مبارز بوجود می‌آورد. می‌بایست پیگرد و دستگیری مبارزین پایان یابد و ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی منحل شوند.

★ هرگونه اجبار زندانیان به رد عقاید خود باید فوراً قطع شود.

شکنجه در دژ منبسانه جسمی و روانی برای وادار کردن زندانیان به رد عقاید خود و کشاندن آنان به تلویزیون از فجیعترین جنایات مترجعین حاکم است. آنان تلاش می‌کنند حیثیت، شرف و هستی انقلابیون را لگدمال کنند و در این راه ابتدایی ترین اصول اخلاقی را زیر پا می‌گذارند. به این اعمال ضد انسانی باید فوراً پایان داده شود.

★ عنوان "زندانی سیاسی" برای میهن پرستان اسیر باید به رسمیت شناخته شود.

رژیم، انقلابیون را تحت عنوان "محارب و ملحد و تروریست و جاسوس" به زندان می‌افکند و معرفی می‌کند. به این دروغ و فریب بزرگ باید پایان داده شود و عنوان "زندانی سیاسی" که متضمن حقوق ویژه میهن پرستان اسیر است به رسمیت شناخته شود.

★ مشخصات و اتهام و محل بازداشت هر زندانی باید اعلام گردد.

مأمورین سرکوب رژیم، عناصر مبارز و انقلابی را از خیابانها، جاده‌ها، کارخانجات و ادارات می‌ربایند و بدون اعلام‌اسامی و اتهام آنها و بدون اطلاع خانواده‌ها به سیاه‌چالهای اندازند و عده زیادی از آنان را در خفا اعدام می‌کنند. رژیم عده‌ای از مبارزین را در سیاه‌چالهای مخفی نگه می‌دارد. می‌بایست تمام جاهایی که به عنوان زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد معلوم شود و اسامی تمام زندانیان، علست دستگیری، اتهام و محل بازداشت آنها در مطبوعات اعلام گردد.

★ زندانیانی که محکوم میباشان تمام شده باید آزاد

گردید رژیم، عده زیادی از زندانیانی را که دوره محکومیتشان به اتمام رسیده آزاد نمی کند و بدین وسیله می خواهد از یک سو مانع پیوستن آنان به جنبش خلق شود و از سوی دیگر به عنوان گروگان آنها را نگه دارد تا در پاسخ به فعالیت سازمانهایی که بدان تعلق دارند، به دست جوخه های اعدام بیسپارد. این زندانیان باید فوراً آزاد شوند و به آغوش خانواده های خود بازگردند. زندانیانی می گویند آن عده قلیلی از زندانیان که محکومیتشان تمام شده و یا فاقد پرونده می باشند، موقح آزاد شدن بسرگندامتنامه را امضا نمایند. زندانیان باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

★ محاکمات باید علنی و قانونی باشد

میمن پرستان و انقلابیون ایرانی در بیدادگاههایی محاکمه میشوند که در آن هیچ قانون و ضابطه ای وجود ندارد. در بسیاری موارد اصلاً دادگاه تشکیل نمی شود و حکم محکومیت زندانی، حتی حکم اعدام بدون دادگاه بدون حق دفاع و بدون ثبت حکم و دلایل آن صادر میشود. تمام جریان صدور حکم و محکوم کردن زندانی مخفیانه صورت می گیرد. در جمهوری اسلامی تا امروز هزاران نفر بدون محاکمه بدون پرونده، بدون دادگاه و وکیل و حق دفاع، بدون حضور و اطلاع کسی و فقط به اصطلاح به "اذن حاکم شرع" اعدام و سر به نیست شده اند. هرگونه محاکماتی باید بطور علنی و با حضور وکیل مدافع و با حق دفاع و با حضور هیات منصفه و با شرکت آزادانه تماشاگران و خبرنگاران داخلی و خارجی تشکیل شود. حکم دادگاه باید مستدل و متکی به نص قانون باشد و در مطبوعات رسمی درج شود.

★ حق زندانیان برای شکایت به مراجع قضایی

و سازمانهای مدافع حقوق بشر باید تامین شود در حالیکه زندانیان سیاسی ایران زیر سر شدیدترین آزارها و بیدادگریهای اعمال رژیم قرار دارند. به هیچیک از آنان اجازه داده نمی شود علیه این بیدادگریها به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر شکایت و تقاضای رسیدگی کند. رژیم جمهوری اسلامی هر حرکت اعتراضی زندانیان را به خشنترین شکل ممکن سرکوب می کند. باید همه زندانیان سیاسی بتوانند شکایات و دادخواستهای خود را به مراجع قضایی و سازمانهای مدافع حقوق بشر تسلیم و تقاضای رسیدگی کنند.

★ هیاتهای ملی و بین المللی مسئول باید مجاز

باشند از زندانیان دیدن کنند زندانیان رژیم تا کنون تلاش کرده اند که تبهکارهایی آنان به بیرون از زندانها درز نکند. برای افشای جنایات رژیم و نظارت بر رعایت

حقوق زندانیان، شخصیتها و هیاتهای مترقی ملی و بین المللی و خانواده های زندانیان سیاسی باید بتوانند از زندانیان رژیم بازدید کنند. زندانیان سیاسی بدون بیم و ترس از مجازات باید بتوانند این هیاتها را در جریان وضع زندان و رفتار زندانیان قرار دهند.

حقوق زیستی

★ تامین غذای کافی و بهداشت و درمان

کمبود مواد غذایی، فقدان دارو و دکتر، آلوده بودن محیط زندان و فشارهای روحی و جسمی، نبود حمام و کمبود دستشویی و تراکم فوق العاده و جان فرسای زندانیان، محیط زندان را به شدت غیر بهداشتی و آلوده ساخته است. سلامت تمام زندانیان در معرض خطر جدی قرار دارد. گرسنگی دائمی همه زندانیان سیاسی ایران را رنج می دهد. بهداشت محیط زندان و امکان درمان و مواد غذایی کافی و حق استفاده آزادانه از حمام و دستشویی باید برای همه زندانیان سیاسی تامین گردد.

★ تامین جا و حق هواخوری

به سبب وسعت دستگیریهها، جا در زندانها فوق العاده تنگ است. زندانیان در سلولها و اتاقهای کوچک، مرطوب و کم نور، عده زیادی از زندانیان را جا میدهند. به آنان امکان هواخوری و ورزش هم نمی دهند. در حال حاضر در اتاقهای درسته حتی جا برای نشسته خوابیدن زندانی هم نیست. متوسط جا برای هر زندانی همواره کمتر از ۵٪ متر مربع است. باید برای زندانیان حداقل فضای زیستی (۱۴ متر مکعب برای هر نفر) تامین گردد و علاوه بر آن همه زندانیان باید بتوانند در طول روز از هوای آزاد استفاده کنند.

★ ملاقات حضوری و هفتگی

اعمال رژیم جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را گاه ماهها و حتی سالها بدون ملاقات و حتی بدون کوچکترین اطلاعی از خانواده در زندان نگه می دارند. آنها فقط به عده کمی از زندانیان آنهم در شرایط ناهنجار و بکلی غیر انسانی ملاقات می دهند. باید امکان ملاقات حضوری، هفتگی و بدون کنترل و آزاد برای تمام زندانیان تامین شود.

★ تامین نشریات و کتابهای درخواستی زندانیان

زندانها را برای آزار روحی زندانیان و تحمیل آیدهای خرافی و بیخایب ارتجاعی و احمقانه به آنان، قیلمها، نمایشات و سخنرانیهای مبتذل اجباری ترتیب می دهند و یا این قبیل برنامهها را از تلویزیون مدار بسته زندان در طول روز پخش می کنند. زندانیان زندانیان را از تحولات جاری جهان و ایران بی خبر نگه می دارند. باید روزنامه، نشریات و کتابهای مورد نیاز زندانیان در اختیارشان قرار گیرد و امکان استفاده آزاد از رادیو فراهم گردد.

★ حق ادامه تحصیل و مکاتبه

حکومت دهها هزار دانش آموز، دانشجو، دانش پژوه را در دهمه های خود اسیر کرده است. برای همه زندانیان، تحصیل، یک خواست اساسی و بسیار ضروری است. زندانیان باید از این حق خود بهره مند شوند. همچنین زندانیان باید بتوانند با خویشان و دوستان و مجامع مترقی ملی و بین المللی مکاتبه کنند.

هم میهنان مبارز!

از شما دعوت می کنیم در هر حد و به هر شکل که می توانید جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران را تقویت کنید. به هر اندازه و در هر مورد از موارد زیر که انجام آن برای شما مقدور است، اقدام کنید. حمایت شما از زندانیان سیاسی مؤثرترین راه نجات جان این عزیزان است. به سازمانها و مجامع ترقیخواه و به نشریه کار و سایر مطبوعات مترقی نامه بنویسید. اطلاعات خود را درباره جنایات رژیم علیه زندانیان در اختیار آنان قرار دهید.

— برای مراجع و مجامع بین المللی نامه بنویسید، جنایات رژیم علیه زندانیان را شرح دهید و علیه آن اعتراض کنید.

— کوشش کنید اسامی زندانیان، اسامی شهدا، نحوه دستگیری و کلیه اخبار و اطلاعات را از وضع زندانیان و یا قربانیان شکنجه و شهدای خلق، بدست آورید و آن را به نشریه کار و به دست سایر نیروهای مترقی برسانید.

— نشریات مترقی را بخوانید، به رادیوهای انقلابی گوش کنید، اطلاعات و خبرها و رهنمودها آن را به خاطر بسپارید و در محیط کار و زندگی خود منعکس کنید و به گوش زندانیان برسانید. — دیدار از محافل و دید و بازدیدهای خانوادگی زندانیان سیاسی و شهدای خلق در شرایط امروز اهمیت فوق العاده دارد. بطور دستجمعی به مسئولان مراجعه کنید، شکایت نامه و تقاضا نامه تنظیم کنید و آن را به مقامات مسئول و مراجع بین المللی ارسال نمایید.

— از خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی دیدن کنید و امید به پیروزی و شرم مقابله را شعله ور سازید. از هیچگونه حمایت مادی و معنوی از این عزیزان دریغ نکنید.

— مبارزانی که از زندان آزاد می شوند مشاهدات و اطلاعات خود را درباره جنایات رژیم در زندانها مفصلاً در نسخ متعدد بنویسند و برای نشریه کار و همه سازمانها و نهاد های مترقی ملی و بین المللی ارسال کنند.

— ایرانیان آزاد یخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور در حال حاضر می توانند نقش بسیار مهمی در دفاع از زندانیان سیاسی ایفا کنند. آنان باید به هر وسیله ممکن شخصیتها، احزاب و محافل مترقی جهان را از جنایات رژیم بقیه در صفحه ۹

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بیاخریم!

را دزدیدند آوردند و اگر دولت اسلامی ایران از آنها جلوگیری نکرد بود همه سر نشینان هواپیما را می کشتند. باید دول مستکبر بفهمند که تا به خاک مذلت هم نیفتند نمی فهمند که تا امروز روزی است که خداوند به مستضعفین عنایت کرده و قضیه همین موشکها الان همه را متحیر کرده که باید گفت: کسی که اصحاب فیل را هلاک کرد، همین موشکها را هم منحرف کرده، سپس نباید مستضعفین اظهار ناتوانی بکنند."

(جمهوری اسلامی - ۱۵ مرداد)

"ایران را سراسر مدرسه کنیم!"

اطلاعات ۲ مرداد:

"طی ۴ ماه گذشته ۳۵ حکم تخلیه برای تخلیه مدارس استیجاری صادر گردیده." کیهان ۹ مرداد:

"یک دبستان ۲۰ ساله در خیابان کارگر شمالی که برای سال تحصیلی جدید از ۴۰۰ دانش آموز ثبت نام کرده است تخلیه و تحویل صاحب ملک شد ۲۰۰۰ نماینده انجمن اولیاء و مربیان مدرسه که شاهد تخلیه مدرسه بود توضیح داد: در این مدرسه برای سال آینده تحصیلی از ۴۰۰ دانش آموز ثبت نام کرده اند و از خانواده ها برای تعمیر و بازسازی مدرسه نزدیک ۱۰۰ هزار تومان پول گرفته اند."

قاجاقچیان و آدمکشان افغانی الگوی دیپلمه های بیکار

هاشمی رفسنجانی:

"کلمه دیپلمه های بیکار برای ما زشت است. کار برای همه وجود دارد. چرا بیکار افغانی بیکار پیدا نمی شود. اگر کار وجود نداشت برای افغانی ها نیز وجود نداشت." (کیهان - ۱۳ مرداد)

"مستضعفین" در جمهوری اسلامی



در عکس بالا که در زادگان ۱۳ مرداد چاپ شده، پیرمرد رنج کشیده و به تعبیر سران رژیم "مستضعفی" دارد خاک ربه هارامی کاو و تا شاید یک کالای مستعمل، یک لباس کهنه و یا تکه ای نان، پیدا کند.

"باید بنگریم که از چه ذکری از ذکرهای الهی اعراض کردیم که دچار معیشت تنگنایی شدیم (منظور آقا از معیشت تنگنایی، تنگنای معیشت و به زبان آدمیزادگان بحران اقتصادی است) و راه و علاج را در بازگشت به ذکر الله بیابیم و رفع نواقص ایمانی و تقوایی را (برای رفع بحران اقتصادی!) بکنیم!"

(کیهان - ۱۰ مرداد)

"آیا این درست است؟"

آذرقاعی نماینده مجلس:

"ما فکر می کردیم که این قانون با توجه به فقه نوشته و تهیه شده است و ایشان (موسوی نخست وزیر) در روزنامه جمهوری اسلامی فرموده بودند با اینکه این لایحه درست است که مطابق فقه و اسلام است ولی در عین حال ما آن فقه و اسلامی یا هر چیزی که منافع مستضعفین را جبران نکند ما قبول نداریم. آیا این درست است؟"

(جمهوری اسلامی - ۶ مرداد)

منظور آذرقاعی، "زاین قانون" قانون کار قرون وسطائی توکلی است که بر اساس فقه و رساله، توطئه صومی را برای کارگران تدارک دیده بود، و با آگاهی و مبارزات پیگیر کارگران روانه آشفال دانی شد.

هواپیما دزدی از علائم ظهور است

امام جمعه اراک:

"امروز مستضعفین دنیا به برکت جمهوری اسلامی بیدار شده اند و روز استعمار و استثمار گذشته و اینها مقدمه ظهور حضرت حجت است که باید استعدادها برای ظهور ایشان آماده شود. همین هواپیما دزدی را چه کسی میسازد. مستضعفین داد حالا باید به فرانسه، پناهگاه منافقین گفت که: این نمونه اولش است که هواپیما

در حاشیه



"سلام بر جنگ!"

ولی الله زمانی نماینده مجلس:

"هر چند که مشکلات از جنگ است اما از جنگ نمی هراسیم. سلام بر جنگ! چون اساس جهاد ما را شکل داده و ما از این جنگ نمی هراسیم."

(جمهوری اسلامی - ۱۶ مرداد)

دریا طوفانیست و کشتی ناآرام

محمد خزاعی نماینده مجلس:

"اصولا مملکت و مردم ایران در چه صحنه ای از تاریخ و در چه بعدی از زمان قرار دارند. ما یک کشتی آرامی نیستیم که هم در داخل کشتی بعضی از کارگران و سر نشینان آن دست به شورش بر میدارند و هم خود دریا طوفانی است."

(جمهوری اسلامی - ۱۶ مرداد)

"امروز کار به افراط کشیده شده"

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس:

"امروز کار به افراط کشیده شده، کار به جایی رسیده که سرمایه دارانی که خون مردم را میکشد اند یکی یکی دارند بر می گردند اینجا و مطالبه زدیهایشان را از ما میکنند. باز آقایان می گویند امنیت اقتصادی! برای چه؟ شما (راست افراطی) معتقدید که هژیر یزدانی را هم بیاوریم و به او امنیت اقتصادی بدیم اگر از پنجه های اوزر برای مملکت بریزد، رزمندگان ما یا های ما را قلم میکنند اگر بخوایم اجازه بدیم به اینطور آدمها (عجالتا و قتش نیست) البته آدمهای حسابی (!) (امش هژیر یزدانی نباشد) هم هر چه میخواهند بیایند سرمایه بگذارند و محدودیتی نیست."

(اطلاعات - ۱۵ مرداد)

سوا استفاده و قیحانه از واژه "مردم"

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس:

"امروز مطمئنا برای سرمایه گذاری مشروع هزار مرتبه از زمان شاه و هر رژیم دیگری صاحبان سرمایه مطمئن ترند و دلیلش هم اینست که عرض میکنم، هفده هزار موافقت اصولی وزارت صنایع سبک و سنگین کرده اند و این معنایش اینست که مردم (!) اعتماد دارند، آمد هانسد و خواست هانسد سرمایه گذاری کنند."

(اطلاعات - ۱۵ مرداد)

چاره جویی

برای رفع بحران اقتصادی

بادامچیان نماینده مجلس و یک از سرکرد های بازار:

اشغال خزنه دریای سرخ،

تکرار سناریوی آمریکایی

بقیه از صفحه اول

دریای سرخ بخش دیگری از منطقه خاور نزدیک و میانه است که به صحنه لشکرکشی آمریکا و متحدین آن - با هر بهانه‌ای که هست - تبدیل می‌گردد. امپریالیسم آمریکا بر مبنای دکترین نظامی "گسترش افقی تشنج" سیاست خطرناک افزایش حضور نظامی خود در منطقه بسیار حساس و استراتژیک همجوار با مرزهای جنوبی اتحاد شوروی را به پیش می‌برد. این بار هم مانند "بحران خلیج"، بهانه آمریکا "حفاظت از امنیت کشتی رانی در آبهای بین‌المللی" است اما کیست نداند که بزرگترین دشمن امنیت و آزادی کشتی رانی، همانهایی هستند که بنا بر نیکاراگوئه رامین‌گذاری کردند، و بزرگترین تهدید برای آرامش منطقه خاور نزدیک و میانه آمریکا و متحد استراتژیک آن اسرائیل است؟ منطقه دریای سرخ که تا کنون در مقایسه با آبهای دریاهای دیگر در این گوشه از جهان بالنسبه از قدرت نمایی‌های واشنگتن در امان مانده بود، بطور خزنه اشغال می‌گردد.

جالب اینجاست که درست همانند تشنج آفرینی اخیر در خلیج فارس، گسترش حضور نظامی آمریکا به بهانه "جمع‌وری مین" نیز در قیقا و بطور مشخص برنامه ریزی و پیش‌بینی شده بود. از چندی قبل، رسانه‌های گروهی امپریالیستی بطور هماهنگ، تبلیغات گمراه‌آمیز را درباره آسیب دیدن ۱۶ کشتی تجاری در اثر برخورد با مین آغاز کردند. مانند همیشه، مضمون این تبلیغات چنین بود که گویا دولت مصر بعزت در اختیار نداشتن تجهیزات لازم، قادر به تضمین امنیت کشتی رانی در دریای سرخ و جمع آوری مین‌ها نیست، و بهمین علت آمریکایی‌های "نیککار" حاضر شده‌اند "کمک" خود را در اختیار مصر بگذارند، و حتی مخارج عملیات را نیز خود به عهده بگیرند. (۱) پنتاگون که خود را زاندارم جهانی می‌داند، بلافاصله مقدمات عملی انجام عملیات مزبور را تدارک دید و واحد نظامی آمریکایی عازم منطقه شد.

این تحریکات، اعتراض کشورهای مترقی و محافظ اجتماعی در منطقه خاور نزدیک و میانه را برانگیخت. همانگونه که در شماره پیش به اطلاع رساندیم، علی ناصر محمد رهبر یمن دمکراتیک تشنج آفرینی در دریای سرخ را محکوم کرد و بهانه قرارداد دادن "تهدید امنیت کشتی رانی" از سوی آمریکا برای گسیل داشتن نیروی نظامی به منطقه را خطری جدی برای آرامش منطقه خواند.

اشاره مختصری به نقش جمهوری اسلامی در این ماجرا نیز خالی از فایده نیست رهبران حکومت ایران که با اجرای سیاست حماقت‌آمیز و ارتجاعی در صدور انقلاب، تا بحال خدمات زیادی به پیشبرد اهداف نظامی آمریکا در منطقه گردانند، این بار نیز در روزهای نخست از مین

المپیک دلار...

بقیه از صفحه ۱۱

"به عقیده همه کسانی که این روزها جریبان بازیهای لس‌آنجلس را از تلویزیون تماشا می‌کردند این مسابقات از تمام دوره‌های گذشته المپیک ضعیفتر است. ۰۰۰ در تاریخ المپیک هرگز اتفاق نیفتاده بود که در جریان بازیها از کشور میزبان تا این حد تحریف و تمهید شده باشد. بازیهای المپیک لس‌آنجلس در حقیقت امر به صحنه‌ای برای نمایش سیاست ریگان مبنی بر تبلیغ "میسز پرستی جدید" مبدل گردیده و جزئی از فعالیت انتخاباتی او بود."

گزارشگریک روزنامه برزیلی نوشت شوونیسیم آمریکایی به حدی حکرفام بود که از تلویزیون فقط قسمتهایی از مسابقات المپیک آمریکا و برزیل را که در آن ورزشکاران آمریکایی توپ را خوب پاس می‌دادند، نمایش تکرار می‌شد، و ورزشکاران برزیلی کمتر بر صحنه تلویزیون ظاهر شدند. روزنامه مزبور می‌افزاید شرکت تلویزیونی ای.بی.سی از بازیهای المپیک بعنوان نمایشی از خود ستایی

اعلامیه...

بقیه از صفحه ۷

هم میهنان گرامی! در زندانهای ایران می‌گذرد آگاه سازند. باید به هر شکل ممکن توجه جهانیان را نسبت به آنچه که در میهن بلاکشیده ما می‌گذرد جلب کرد. ما اطمینان داریم که مبارزه علیه حکام خائن جمهوری اسلامی و نجات جان میهن پرستان ایرانی سرانجام به پیروزی خواهد رسید. این مبارزه البته تحمل سختی‌ها و قربانی‌های بسیار می‌طلبد. اما دیر یا زود بار دیگر دیوارهای

آب‌سرخ رفیق جرنکوه...

بقیه از صفحه ۱۱

می‌زند ولی حرفهای خود را به هیچ اقدام مشخصی توأم نمی‌کند درارو پانز راجع به صلح زیاد صحبت می‌کنند در عین حال مو شکرهای هسته‌ای جدید ضربت اول را در آنجا مستقراً می‌کنند و اکنون نسبت به تامین امنیت آسیا نیز به اصطلاح دلسوزی می‌شود، ولی در حقیقت امر سلاحهای هسته‌ای آمریکا به سوی

گذاری در دریای سرخ استقبال نمودند. اما پس از گذشت چند روز، ظاهراً تمایل حکام جمهوری اسلامی به دست و پا کردن یک وجهه کذایی در مطبوعات و رسانه‌های غرب، به عوام‌فریبی و پرخاشگری دروغین آنها علیه "استکبار جهانی" چریبید، و بالاترین مقام حکومتی اعمالی نظیر هواپیمارسانی و مین‌گذاری در ریادار را محکوم کرد. حتی کار به جایی رسید که نخست‌سازمان مجهول‌الهرمه "جهاد اسلامی" که بیانیتهای آن با آب و تاب در مطبوعات حکومتی چاپ می‌شود، و مسئولیت مین‌گذاری در دریای سرخ را به عهده گرفته است، "مجهول" تلقی شد. سپس، این مین‌گذاری را به دشمنان موهم خود نسبت دادند که گویا می‌خواستند به "وجهه" حکومت ایران در غرب لطمه وارد کرده و لابد "دوهم‌زنی" کنند.

آمریکایی یاد کرده بود. در ادامه گزارش این روزنامه، آمده است اگر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در بازیهای المپیک شرکت می‌کردند، نتایج مسابقات با آنچه هست تفاوت فاحشی می‌داشت، اما این وضوح ازید و امریاب طبع و اشنگتن نبود.

هفته نامه اسپیکل چاپ آلمان فدرال اشاره می‌کند که اکثر شرکت کنندگان در مسابقات حکم "سیاهی لشکر" را داشتند و حضور آنها تنها در خدمت پرزرق و برق کردن نمایش ناسیونالیستی آمریکایی بود.

هفته نامه آمریکایی نیوزیک گزارش مفصلی تحت عنوان "پس از بازیها، پول" درباره تجارت ورزشکاران آمریکایی برنند هم‌دال، درج کرده است. اکثر این ورزشکاران مانند کارل لو بیس و ادوین موزس قهرمانان دو، با قرارداد های کلان به خدمت شرکتهای سازنده تبلیغات تجارتی درمی‌آیند تا با ظاهر شدن در فیلمها، پوسترها و عکسهای تبلیغاتی برای کالاهای مختلف تبلیغ کنند.

این و قتل حصار و کوه دشت و دهها دخمه و قتلگاه دیگری که رژیم ساخته است به نیروی شما فرو خواهد ریخت. جنایتکاران خونریز به جزای اعمال ننگین خود خواهند رسید. پیروزی ما در گرو اتحاد و مبارزه ماست.

درو در زندانهای سیاسی که قهرمانان در برابر دشمنان ایستادند! پیروزیاد مبارزه حق طلبانه خلق ستمدیده ایران! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ۲۵ تیرماه ۱۳۶۳

تحداد روزافزونی از کشورهای آسیایی هدف گیری شده اند. دم، به دم. تعداد بیشتری از نیروهای مسلح آمریکایی قادر به استفاده از سلاح هسته‌ای در حوزه خلیج فارس در نزدیکی مرز ایران متمرکز می‌شوند، بودجه نظامی آمریکا پیوسته به افزایش است. دولت آمریکا از هیچ زیرنامه‌های نظامی خود صرف نظر نکرده است و خط مشی آمریکا از هیچ لحاظ تغییر نمی‌کند.

اما هیچ چیز نمی‌تواند این واقعیت را بپوشاند که حکومت جمهوری اسلامی، با دامن زدن به تشنجات در منطقه، و بخصوص با ادامه جنگ خانمان سوز ایران و عراق، بهترین موقعیت و شرایط را برای اجرای دکترین آمریکایی "گسترش افقی تشنج" فراهم کرده و آنچه آن جوانی بوجود آورده است که ظهور تفنگ‌سازان آمریکایی در آبهای منطقه در نقش‌ژاندارم تبدیل به امری عادی و روزمره شده است. تکرار سناریوی آمریکایی "بحران خلیج" در دریای سرخ، بار دیگر ضرورت خاموش ساختن کانونهای بحران در منطقه، و بخصوص پایان دادن به جنگ ایران و عراق را نشان می‌دهد. جنگی که تا وقتی آتش آن شعله‌ور است، وقوع هر فاجعه‌ای برای صلح و امنیت منطقه در آن انتظار نیست.

پاسخ رفیق چرنکو به نامه شون مک براید،

نویسنده و شخصیت اجتماعی نامدار ایرلندی

اخیراً در پاسخ به نامه شون مک براید، نویسنده و شخصیت اجتماعی ایرلندی و برنده جایزه صلح نوبل، درباره تأمین صلح جهانی و راههای جلوگیری از جنگ هسته ای، رفیق کنستانتین چرنکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صد رهیت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی، موضع رهبری شوروی را درباره ایمن مسایل، توضیح داد. برنامه جو ابیه رفیق چرنکو می خوانیم:

"تعیین و کوشش برای مساعدت به حصول خلع سلاح کامل و همگانی، با روحیه و تمایلات افکارمردان اجتماعی جهان، که دامنه وسیعی دارد، هماهنگ است. برای هر فرد دارای عقل سلیم، روشن است انبار کردن بیشتر سلاحهای هسته ای و بخصوص تلاش برای انتقال مسابقه تسلیحاتی، حتی به فضای کیهان، بشریست را در برابر فاجعه هسته ای همگانی قرار می دهد."

شما در نامه خود می نویسد که اظهارات اخیر رییس جمهوری آمریکا، درباره بی معنی بودن جنگ هسته ای و ضرورت پاکسازی کرده زمین از سلاح هسته ای، گویا امکاناتی برای مذاکرات جدی فراهم می کند. بطوریکه اطلاع دارید طرف آمریکایی، حرفهای زیادی درباره صلح و مذاکرات گفته بود. ولی تمام گامهای عملی دولت آمریکا، با تمایلات اعلام شده برای

انجام مذاکرات و بهتر کردن مناسبات، مغایرت دارد. واضح است به هیچ وجه صحبت از تغییر موضع کنونی آمریکا در میان نیست. ما از طرف خود بارها اعلام کرده بودیم می خواهیم بیایایالات متحده آمریکا، روابط حسنه داشته باشیم، ولی در این مورد باید از هر دو طرف حسن نیت محسوس نشانی داده شود. فکر می کنم نتیجه ای که شما با داشتن تجربه سیاسی و جهان دیدگی گرفته اید، مبنی بر این که پایه اصلی و واقعه محکم هرگونه مذاکرات بیمن شو روی و آمریکا باید تمایلات صادقانه و نیکخواهانه طرفین و تدارکات مربوطه باشد، کاملاً صحیح است. ما هم همین نقطه نظر را داریم. رهبری شوروی معتقد است که گامهای مشخص، نه حرفهای دولت آمریکا، قادر است راه را برای عادی کردن مناسبات مابا آمریکا، هموار کند. مفسر رادیو مسکو، درباره رابطه با پاسخی رفیق چرنکو به شون مک براید، چنین می نویسد: "این عکس العمل کاملاً منطقی است. زیرا رهبر شوروی طی پاسخ خود در واقع کنونی جهان را با نظر اصولی ارزیابی کرده و با همه متسر از همه این است که بطور مشخص توضیح داد در حال حاضر چگونه باید اقدام کرد، تا ارزش ذاتی و فواید جهان کاسته شود و خطر بروز جنگ هسته ای همگانی بر طرف گردد. این مسائل را

امروز فکرو ذکر مردم جهان را به خود مشغول می دارد.

کنستانتین چرنکو خاطر نشان ساخت که حل این مسایل میرم مستلزم انجام کارهای مشخص است. همانا عمل لازم است، نه حرف اگر گامهای مشخص برداشته نشود هر قدر هم لفاظی در مورد صلح تکرار شود دکاریشرفت نخواهد کرد. برای مثال یادآوری می کنیم که اتحاد شوروی دو سال پیش با اعلام اینکه بطور یکجانبه متعهد شد از پیش دستی در بریکار بردن سلاح هسته ای خودداری می کند، و در اول هسته ای دیگر را به انجام این کار دعوت کرد. اما وا اشتگتن ایمن دعوت را نشنیده گرفت.

مثال دیگری می آوریم، کشورهای عضو پیمان و رشو به کشورهای عضو ناتو پیشنهاد کردند موافقت نامه ای درباره عدم توسل به نیروی قهریه علیه یکدیگر منعقد شود. آیا این یک اقدام مشخص نیست؟ ولی اولیای امور در ریاست تخت های غربی در ماهیت امر به این ابتکار نیز بی اعتنا ماندند.

پیشنهاد اتحاد شوروی درباره جلوگیری از نظامی شدن فضای کیهان یعنی راجع به موضوعی که جزو مسایل حادث است کاملاً بجای و به مورد بود. اتحاد شوروی با زهم با صراحت تمام اعلام کرد که پیرامون چه مطلبی بطور مشخص می خواهد مذاکره کند ولی طرف آمریکایی تاکنون به این پیشنهاد پاسخی مثبت نداده است. وا اشتگتن همچنان از صلح دم بقیه در صفحه ۹

ریگان: "پنج دقیقه دیگر بمباران روسیه را آغاز خواهیم کرد."

جهان در هفته گذشته شاهد انتشار یک خبر تکان دهنده گردید. رونالد ریگان، رییس جمهوری آمریکا، کسی که فرماندهی کل مجهزترین و بزرگترین نیروی نظامی تاریخ بشریه عهده دار است، طی یک سخنرانی تعرینی گفت:

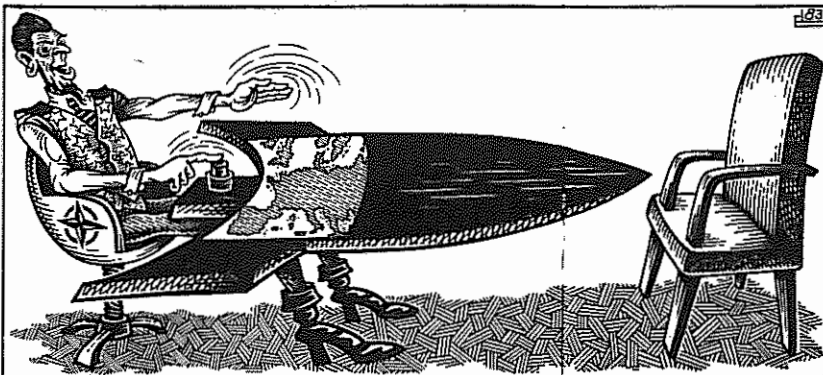
"هموطنان گرامی! امروز خوشوقتم به اطلاع شما برسانم ما قانونی امضا کرده ایم که به موجب آن صید اتحاد شوروی مباح است. پنج دقیقه دیگر بمباران روسیه را آغاز خواهیم کرد!"

این سخنان وحشتناک در حقیقت بیان نیت باطنی ریگان است، شامگاه دو شنبه ۱۳ ژوئن از شبکه تلویزیونی سی بی اس آمریکا با صدای ضبط شده خود در ریگان پخش شد. گویا جریان از این قرار بوده است که ریگان به منظور انجام یک سخنرانی تمرینی، قبل از حضور در کنفرانس مطبوعاتی خود، به جای شمردن از یک تا پنج (جهت آزمایش تاسیسات صوتی)، کلمات مذکور را به زبان رانده است. مطبوعات و رسانه های امپریالیستی در غرب، به ویژه در اروپا، در تلاش وسیعی که برای خنثی کردن اثر انتشار این خبر تکان دهنده آغاز کرده اند، می کوشند ایمن اظهارات ریگان را تا حدیک "شوخی" بسی آزار

بازتاب احساسات واقعی او "خواننده وی افزود: "به نظرم، ما هرچه آشکارتر مشاهده می کنیم که یک رییس جمهوری ایالات متحده درباره امور بسیار مهم برای کشور، تا چه حد حقیرانسه می اندیشد."

این نخستین بار نیست که آقای ریگان این چنین "کلمات قصار"ی بر زبان می راند. در اکتبر ۱۹۸۲، ریگان با هم در یک سخنرانی تمرینی به رهبران لهستان توهین کرده و آنها را "مشتی و لگدر خدا شناس" خوانده بود.

در سراسر جهان، موج اعتراض و خشم علیه سخنان دیوانه وار ریگان همچنان ادامه دارد. مردم دنیا، بیش از پیش به خطر بزرگی که با بودن ریگان در مقام ریاست جمهوری آمریکا صلح جهانی را تهدید می کند، پی می برند.



رویدادهای
جهانمفاد بیانیه سازمانهای فلسطینی
در باره وحدت "ساف"

همانگونه که در شماره های پیشین "اکثريت" به اطلاع رسانديم، اخيرا نمايندگان سازمانهای فلسطینی "فتح"، "جبهه دمکراتيک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست فلسطین و جبهه آزادیبخش فلسطین در الجزیره موافقتنامه ای تحت عنوان "توافق در باره وحدت ملی فلسطین" امضا کردند. مفاد این بیانیه طی يك کنفرانس مطبوعاتی در الجزیره اعلام گردید. هدف این توافق، حل مسایل سیاسی و سازمانی ای است که در ماههای پیش بروز کرده بود. سازمان آزادیبخش فلسطین "ساف" اخيرا هدف حملات نیروهای گوناگونی قرار گرفت که متوجه استفاده از شرایط پیچیده مبارزه ساف، به ویژه پس از تهاجم اسرائیل علیه مردم فلسطین و لبنان در ژوئن ۱۹۸۲، به منظور شکستن این سازمان و از بین بردن نقش رهبری کننده آن در مبارزه بود. در چنین شرایطی نیروهای میهن پرست کوششهای خود در راه غلبه بر بحران و احیای وحدت ساف بر مبنای مصوبات شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در الجزیره (۱۹۸۲) را گسترش دادند. در آوریل ۱۹۸۴ در عدن و الجزیره مذاکراتی آغاز شد که در ۱۳ ژوئیه به امضای يك موافقتنامه انجامید. در این موافقتنامه، بر ضرورت وحدت ساف بمثابه تنها نماینده قانونی خلق فلسطین تأکید شده و هرگونه تجزیه صغوف آن، محکوم گردیده است. در موافقتنامه آمده است اشتباهات گذشته در عرصه های سیاسی و سازمانی می بایستی جبران گردند. ساف باید همچنان پیشاهنگ مبارزه خلق فلسطین بماند تا توپخانه های امپریالیسم و صهیونیسم برای سلب حقوق ملی انکارناپذیر مردم فلسطین خنثی گردد. بدون حل مساله فلسطین، هیچگونه راه حلی برای بحران خاور نزدیک پیدا نخواهد شد. چنین راه حلی، می بایستی بر مبنای مصوبات سازمان ملل متحد و در چارچوب يك کنفرانس بین المللی با شرکت ساف بعنوان طرف مساوی الحقوق عملی گردد.

در عرصه سازمانی، موافقتنامه الجزیره سلسله اقداماتی را به منظور تضمین رهبری جمعی ساف و موسسات و شعب آن، پیش بینی کرده است. از جمله، اختیارات ارگانهای قانون گذاری افزایش خواهد یافت تا تصمیمات شورای ملی از ضمانت اجرایی برخوردار باشد. موافقتنامه الجزیره، کشورهای عربی را به انجام اقدامات هماهنگ در مبارزه علیه سیاست تجار و کارانه حکومت صهیونیست اسرائیل و

حامیان آمریکایی آن فرامی خواند. در این رابطه به نقش ویژه مناسبات سوریه و فلسطین در مبارزه مشترک علیه توپخانه های امپریالیستی در خاور نزدیک اشاره شده است. سند مصوبه در الجزیره، از همه سازمانهای ساف، کلیه شخصیتها و نیروهای میهن پرست دعوت می نماید تا در تئودارک هفدهمین اجلاس شورای ملی، که تا تاریخ ۱۵ سپتامبر فراخوانده خواهد شد، درباره این وظایف و اهداف بطور گسترده اظهار نظر کنند.

یکی از اعضای کمیته اجرایی ساف طی يك گفتگوی مطبوعاتی از موافقتنامه الجزیره بعنوان آغاز مرحله نوبتی در تاریخ این سازمان یاد کرد. مرحله ای که برای ادامه موفقیت آمیز پیکار در راه تحقق حقوق ملی و قانونی خلق فلسطین، به ویژه حق تعیین سرنوشت و تشکیل يك دولت مستقل، از اهمیت زیادی برخوردار است. این مقام فلسطینی افزود بحث درباره گامهای مورد توافق در سطح گسترده آغاز شده است. اجلاس آینده شورای ملی وظیفه دارد مشی آینده ساف را تعیین کند. عضو رهبری ساف همچنین تأکید نمود پشتیبانسی کشورهای سوسیالیستی از مبارزه بر حق مردم فلسطین در شرایط پیچیده کنونی، به خلق فلسطین نیرو و امید می دهد تا به حیل محضلات فراروی خود، بپردازد.

۹ میلیارد دلار برای گسترش
پایگاه های آمریکا در سراسر جهان

مجلس نمایندگان کنگره آمریکا قانونی تصویب کرد که به موجب آن، يك بودجه ۹/۱ میلیارد دلاری برای گسترش و نوسازی تاسیسات نظامی آمریکا در سراسر جهان در سال ۱۹۸۵ در نظر گرفته شده است. این قانون با تصویب سنا و امضای رونالد ریگان رسمیت خواهد یافت.

آمریکا در مجموع ۲۵۰۰ پایگاه نظامی در سایر کشورها در اختیار دارد. بخشی از بودجه نامبرده، صرف توسعه پایگاههای موشکی پرشینگ و کرکوز در اروپای غربی خواهد شد.

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری در کابل

بدنبال حمله مشتکی تروریست به سفارت جمهوری دمکراتیک افغانستان در بن که به مضر و شدن کارکنان سفارت و وارد آمدن خسارات مالی به ساختمان آن، انجامید، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم کابل روز دوشنبه ۲۲ مرداد در تظاهراتی بمنظور اعتراض به این عمل وحشیانه شرکت کردند. به گزارش رادیو کابل، تظاهرات کنندگان خواهان مجازات گردانندگان این هجوم و امانت شدند.

از سوی دیگر يك دادگاه خلق در استان بلخ افغانستان طی يك محاکمه علنی ۱۵ تن از اشترار ضد انقلابی را به جرم قتل، آتشزدن ساختمانها و غارت به اعدام محکوم کرد. ۲۱ نفر دیگر از اعضای این باند به زندان بین ۵ تا ۲۰

سال محکوم شدند. شاهدان زیادی جنایات محکومین را تأیید نمودند.

روزنامه "حقیقت انقلاب شور" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان طی مقاله ای درباره تصمیم کنگره آمریکا مبنی بر دادن کمک بازهم بیشتر به ضد انقلابیون افغانی به مبلغ ۵۰ میلیون دلار، دخالت آشکار آمریکا در امور افغانستان را تقبیح کرده و نوشت کمک مالی آمریکا به باند ها، اشترار افغانی که در خاک ایران و پاکستان پایگاه دارند، در سال آینده روی هم رفته از ۱۲۵ میلیون دلار تجاوز خواهد کرد.

تقسیم اراضی در نیکاراگوئه

در نیکاراگوئه، تقسیم اراضی میان کارگران مزد بگیر کشاورزی و دهقانان فقیر ادامه دارد. در "مورا" واقع در نزدیکی مرز هند و اس ۳۷۱ خانوار دیگر طی مراسمی اسناد مالکیت زمین های خود را که مساحت آن جمعاً به ۸۶ هزار هکتار بالغ می گردد، دریافت داشتند. علاوه بر این، این کشاورزان در صورت تمایل می توانند از بانک دولتی اعتبار دریافت دارند.

از هنگام پیروزی انقلاب در ژوئیه ۱۹۷۹ بدین سو، در نیکاراگوئه نزدیک به يك میلیون هکتار زمین بین دهقانان کم زمین و بی زمین تقسیم شده است. تنها در اراضی مصادره شده سه هزار دیکاتور سابق در حال حاضر ۳ هزار تعاونی دهقانی به زراعت مشغولند.

المپیک دلار، ترور و شوونیسم
پایان یافت

بیست و سهمین دوره بازیهای المپیک در لس آنجلس پایان یافت. مفسران ورزشی کشورهای مختلف جهان، به این امر اشاره



می کنند که مسابقات لس آنجلس، دقیقاً دهمه آن چیزهایی را به نمایش گذاشت که باید در المپیک از آن دوری جست. این بازیها از لحاظ محیط تجارتي و روح شوونیسم حاکم بر آن، دایره مغرضانه و فقدان روح دوستی در تاریخ المپیک بی سابقه بود.

خبرنگار يك مجله چاپ یوگسلاوی می نویسد: بقیه در صفحه ۹



پیروزی کارگران

در نیمه اول خرداد درگوشته زیباران کارگران برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب می زنند . پیش از این تقاضای آنها در این زمینه رد شده بود . وزارت کار نیز با افزایش دستمزد مخالفت می کند . اعتصاب کارگران پس از دو روز به نتیجه می رسد . حقوق آنها به میزان سی درصد افزایش یافت .

کارگران با سلاح اعتصاب دستمزد خود را افزایش دادند

در کارخانه تسنرف ، کارفرما از پرداخت دستمزد بهره وری سالانه به کارگران خود داری می کرد و به اعتراضات آنها در این زمینه توجهی نشان نمی داد . بالاخره کارگران درهای کارخانه را بسته و مانع ورود و خروج می شوند . در نتیجه شرایطی کارفرما به ناچار مذاکره با کارگران را می پذیرد . کارگران برای اینکه قاطعیت

خود را نشان دهند ، همراه با نمایندگان خویش چهل تن از کارگران را نیز در جلسه مذاکره شرکت می دهند . در این جلسه راه هرگونه مانع و مفری بر کارفرما بسته می شود و او به ناچار حقوق و خواسته کارگران را در این زمینه می پذیرد .

اشار افغانی پاسدار رژیم شده اند

نقش اشار افغانی در سازماندهی و شرکت در رساندن های سیاه و بسته به جمهوری اسلامی بر همه روشن است . سوابق جنایات مخوف این اشار در افغانستان و ایران باعث تایید صلاحیتشان توسط سرکوبگران رژیم می گردید . آنها در کنار او باش ایرانی ، مسلح به سلاح سرد و گرم به اجتماعات نیرو های مرفعی حمله می کردند .

اینکه که رژیم حفظ پایه های خود را در تکرار هر چه بیشتر به ارگانهای سرکوب می بیند ، برای این اشار را نیز بسهم و بیژ ای در نظر گرفته است . به همین منظور دستجاتی از آنها را رسماً و البته مخفیانه گرد آورده و سازمان داده است تا برای سرکوب تظاهرات و اعتراضات روزافزون مردم به کار گرفته شوند . بخشی از این اشار اکنون در یادگان دیو در تهران تعلیمات مخصوص و احدهای ضد شو رشی را می گذرانند .

اعتراض مردم شادشهر به کمبود آب

دولت باید حتماً آب لوله کشی ، تصفیه شده و دائم منطقه شادشهر را ایجاد کند .

مشهریان مسکونی !
با فرا رسیدن فصل گرما مجدداً کمبود آب مشکل روزمره اهالی شادشهر (المشهر) شده است . کمبود آب در گرمای تابستان بسیار آزار دهنده است . مردم این منطقه با اعتراضات ارضی ، سب و اعتصابات و دیگر راه های مبارزه با کمبود آب ، در حالیکه دولت آب سالم و لوله کشی از اندام اجرایی امکاناتی است که یک شهروند باید از آن برخوردار باشد .

رژیم شاهی گذشته اهمیتی نداشت ، مردم دستگیر نمی شدند و در مناطق شهری فقط رژیم برسانه در برپورخانه مسلمانان در این منطقه با انواع مشکلات ارضی ، سب ، اعتصابات و تظاهرات و غیره روبرو بوده است . ارضال ۵۰ بعد از پیروزی انقلاب مردم شادشهر نیز از این مشکلات برخوردار شدند . مردم شادشهر برای خودبانی مانده است . دولتی که خود را دستگیر از دست نمی دهد و از مردمی که با او همکاری می کند ، با او همکاری می کند ، در جهت مردم و حل این مشکلات با او همکاری می کند . دولت باید حتماً آب لوله کشی را در این منطقه ایجاد کند . در جهت مردم و حل این مشکلات با او همکاری می کند . دولت باید حتماً آب لوله کشی را در این منطقه ایجاد کند . در جهت مردم و حل این مشکلات با او همکاری می کند .

مشهریان مسکونی !
دولت باید حتماً آب لوله کشی ، تصفیه شده و دائم منطقه شادشهر را ایجاد کند .
مشهریان مسکونی !
دولت باید حتماً آب لوله کشی ، تصفیه شده و دائم منطقه شادشهر را ایجاد کند .
مشهریان مسکونی !
دولت باید حتماً آب لوله کشی ، تصفیه شده و دائم منطقه شادشهر را ایجاد کند .

مشهریان مسکونی !
دولت باید حتماً آب لوله کشی ، تصفیه شده و دائم منطقه شادشهر را ایجاد کند .
مشهریان مسکونی !
دولت باید حتماً آب لوله کشی ، تصفیه شده و دائم منطقه شادشهر را ایجاد کند .
مشهریان مسکونی !
دولت باید حتماً آب لوله کشی ، تصفیه شده و دائم منطقه شادشهر را ایجاد کند .

کمبود آب در تابستان در تهران بویژه در محلات زحمتکش از زهرسال دیگر بیشتر بوده است . سال گذشته همین مسأله از جمله علل تظاهرات بزرگ مسردم افسریه تهران بود . اما از آن زمان تاکنون علیرغم وعده و وعید رژیم ، هیچ گامی برای حل آن برداشته نشده . به این خاطر امسال نیز اعتراضات متعددی در محلات زحمتکش نشین تهران به وقوع پیوست . در این میان اعتراضات مردم شادشهر بویژه زنان این محله جلگه بود . زنان با اجتماع و راهپیمایی به نابسامانی وضع آب اعتراض کردند . اعتراض مردم شهر را زتاب قابل توجهی در سطح شهر تهران داشت . در همین رابطه اعلامیه ای نیز بخش شده که مابین آنرا کلیشه می کنیم .

چه کسانی آذری قمی را برگزیدند؟

آقای آذری قمی دبیر شورای مدیران حوزه علمیه قم که با تقلب آشکار به مجلس راه یافته است ، در نطق پیش از دستور اعتراف کرد که در جریان انتخابات و رای گیری بیسوادان شهر می گفتند به سرمایه داران و مدافع آنها رای نخواهد داد . او خود نیز اذعان داشت که منظور این دسته از مردم زحمتکش شخص ایشان بود . او اعتراض داشت که چرا چنان جوی در میان مردم بوجود آمده است . او در حقیقت به سطح آگاهی مردم اعتراض داشت . واقعیت این بود که در حین انتخابات آذری قمی از همه گونه حمایت و همراهی تجار بزرگ و دیگر مترجمین برخوردار بود . هزینه تبلیغات انتخاباتی او توسط چند تن از تجار بزرگ تم تامین شده بود . از جمله این تجار ، حاج شجاعی و حاج دخلی بودند .

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را رفقای ما در کلچستر (انگلستان) تامین کردند

AKSARIYAT NO. 20 FRIDAY, 17 AUGUST 84

آدرس آلمان فدرال
Address POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 86156
LOS ANGELES, CA 90088
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!